

Children and Migration: Thematic analysis of the telegram group conversations of parents of Iranian immigrant children and adolescents in Toronto

Afsaneh Kamali, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Science and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: a.kamali@alzahra.ac.ir

Mina Inanloo, PhD Candidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: inanloo_mina@yahoo.com

Abstract

Migration, whether voluntary or forced, is heavily influenced by economic, social, and political factors. Many individuals have left their homeland in search of a better future and have settled in another country. It must be acknowledged that such transitions are challenging and may create issues not only for the migrants themselves but also for their children, affecting their development, social performances, and education. To present a picture of these challenges, especially regarding children, the discussions of Iranian parents of children and adolescents in Toronto, Canada, held in a Telegram group over a period of three years from May 2018 to July 2021, were examined and analyzed using thematic analysis. The findings indicate that the main topics of discussion among these parents can be categorized into eight areas: social integration and adaptation, acculturation, school performance, bullying, identity and self-esteem, language, access to medical services, leisure time, and weather. Given these points, it can be said that migration, at least in the short term, does not necessarily offer an ideal life for Iranian immigrant children as might be imagined.

Keywords

immigration challenges, Canada, children, immigration, international migration.

کودکان و مهاجرت: (تحلیل تماتیک گفت‌وگوهای گروه تلگرامی والدین کودکان و نوجوانان ایرانی مهاجر در تورنتو)

افسانه کمالی^۱، مینا اینانلو^۲

چکیده

مهاجرت، خواه به صورت داوطلبانه باشد و خواه، اجباری بسیار تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. تاکنون افراد بسیاری، وطن اصلی خود را ترک کرده و در جست‌وجوی آینده‌ای بهتر، در کشوری دیگر سکنی گزیده‌اند. باید اذعان کرد که چنین انتقالی چالش‌برانگیز است و ممکن است نه تنها مسائل و مشکلاتی برای خود افراد مهاجر؛ بلکه حتی برای فرزندان‌شان هم ایجاد کند و رشد، عملکرد اجتماعی و آموزش آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. به منظور ارائه تصویری از این چالش‌ها خصوصاً در مورد کودکان، گفت‌وگوهای والدین کودکان و نوجوانان ایرانی در شهر تورنتو در کشور کانادا که در بستر گروهی تلگرامی انجام شده است، به مدت سه سال از ماه می ۲۰۱۸ تا جولای ۲۰۲۱ با استفاده از روش تحلیل تماتیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشانگر آن است که موضوعات اساسی مورد بحث میان این دسته از والدین در ۸ دسته ادغام و انطباق اجتماعی، فرهنگ‌پذیری، عملکرد مدرسه، قلدری، هویت و عزت‌نفس، زبان، دسترسی به خدمات پزشکی، اوقات فراغت و آب‌وهوا قابل دسته‌بندی است. با توجه به این موارد باید گفت مهاجرت حداقل در کوتاه‌مدت، چندان هم که تصور می‌شود برای کودکان ایرانی مهاجر، زندگی رویایی را دربر ندارد.

واژگان کلیدی

چالش‌های مهاجرت، کانادا، کودکان، مهاجرت، مهاجرت بین‌المللی.

مقدمه و بیان مسئله

در میان تمامی نظام‌های اجتماعی، خانواده به‌عنوان یک واحد مهم و اساسی‌ترین بنیان عاطفی در زندگی یک فرد محسوب می‌شود. خانواده‌ها در طی زمان، چرخه‌های زندگی متفاوتی را طی می‌کنند که در قالب آن‌ها تمامی اعضای خانواده تغییرات را تجربه می‌کنند. در واقع در قالب این چرخه‌های زندگی، نقش بین اعضای خانواده هم به‌طور مداوم تغییر و در نهایت بازتعریف می‌شود. گذراندن این چرخه‌های زندگی تنها مختص به خانواده‌ای با ویژگی‌های خاص نیست؛ بلکه همه خانواده‌ها چرخه‌های زندگی را پشت سر می‌گذارند و همه اعضای خانواده به‌صورت فردی یا گروهی ممکن است، تغییرات را تجربه کنند. روابط بین خواهر و برادر، والدین و سایر اعضای خانواده در طی زمان تغییر و در اثر تحولاتی که در چرخه‌های زندگی پیش می‌آید، دگرگون می‌شود، اما این چرخه‌ها خالی از فایده هم نیستند. مهم‌ترین کارکرد چرخه‌ها این است که امکانی را برای خانواده‌ها فراهم می‌کنند تا رشد کنند، بر محیط تأثیر بگذارند و در نهایت به ایجاد هویت جدید کمک می‌کنند (Lazzerini, 2005 & Barter, 2002).

ازجمله عواملی که بر تجربه افراد از چرخه‌های زندگی تأثیر می‌گذارند، عبارتند از فرهنگ، مهاجرت، طلاق، بیماری، مرگ و شرایط اقتصادی. در این بین، مهاجرت تغییرات بسیاری در خانواده ایجاد می‌کند؛ به‌طوری که یک چرخه زندگی جدید برای خانواده‌هایی که در جریان آن قرار می‌گیرند، ایجاد می‌کند. این تغییرات ممکن است چرخه زندگی خانوادگی را برای نسل‌های متفاوت تحت تأثیر قرار دهد. مهاجرت مختص یک دوره زمانی خاص نیست و همواره در طی تاریخ به اشکال مختلف وجود داشته است. به عبارتی، انسان‌ها در طول تاریخ به دلایل مختلف از جمله یافتن سرزمین جدید، یادگیری روش‌های جدید کشاورزی، فرار از گرسنگی و جنگ، لذت بردن از آزادی مذهبی و سیاسی بیشتر، فرصت‌های اقتصادی بیشتر یا فقط کنجکاوی و کشف چیزهای جدید در سراسر جهان مهاجرت کرده‌اند (Lazzerini, 2005 & Barter, 2002). در واقع، محدودیت یا عوامل منفی در جامعه مبدأ و فرصت‌ها یا عوامل مثبت در جامعه مقصد ممکن است، افراد را مجبور به مهاجرت کند.

بنا به این دلایل و انگیزه‌ها می‌توان گفت در طی زمان الگوهای مهاجرت نیز تغییر کرده است، به‌طوری که اگر از نظر تاریخی قبل از دهه ۱۹۸۰ توجهات به مهاجرت داخلی بود که در قالب آن حرکت در داخل مرزهای ملی از جمله مهاجرت روستایی-روستایی، شهری-روستایی و شهری-شهری صورت می‌گرفت از دهه ۱۹۸۰ به بعد به دلیل کاهش نرخ زاد و ولد در

کشورهای توسعه‌یافته و سطح بالای رفاه و زندگی در آن کشورها زمینه برای مهاجرت بین‌المللی و ورود افرادی از کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته فراهم و حتی به شکل غالب مهاجرت در دنیای اخیر تبدیل شد (Skeldon, 2006). اطلاعات آماری که توسط دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۹ منتشر شده، حاکی از آن هستند که تعداد مهاجران بین‌المللی به ۲۷۲ میلیون نفر رسیده که ۵۱ میلیون نفر نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش داشته است. براساس این آمار، اروپا میزبان بیشترین تعداد مهاجران بین‌المللی (۸۲ میلیون) است و پس از آن آمریکای شمالی (۵۹ میلیون) و سپس شمال آفریقا و آسیای غربی (۴۹ میلیون) هستند. از میان جمعیت‌های مختلف مهاجران، ایرانیان نیز هر ساله به دلایل مختلفی جذب کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شوند. به‌طوری که محققان و جمعیت‌شناسان معتقد هستند، اکثر مهاجران ایرانی را جوانان، مردان و نیروهای متخصصی تشکیل می‌دهد که برای دستیابی به شغل بهتر یا ادامه تحصیل به کشورهای دیگر رفته و گاه دیگر بر نمی‌گردند. بررسی سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که کشورهایی که دارای بیشترین جمعیت ایرانی (افراد متولد ایران) هستند عبارتند از امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، انگلستان، ترکیه، سوئد، استرالیا، کویت، هلند، قطر، فرانسه، نروژ، اتریش، دانمارک، ایتالیا، عراق، سوئیس و بلژیک^۲. در میان این کشورها، کانادا یکی از مقاصد اصلی و عمده مهاجران نسل اول و دوم است؛ به‌طوری که بیش از ۳۴ گروه قومی با جمعیت بیش از صد هزار نفر در این کشور زندگی می‌کنند که یکی از این گروه‌ها ایرانیان هستند که به سرعت جمعیت آن‌ها در حال رشد است. مقایسه سرشماری سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶ مرکز آمار کانادا نشان می‌دهد که میانگین رشد سالانه مهاجرت ایرانی‌ها به این کشور طی این ده سال ۳۴ درصد است که از بین شهرهای مختلف در کانادا، شهرهای تورنتو، ونکوور و مونترال بیشترین مهاجران ایرانی را دارند که به ترتیب جمعیت ایرانی‌ها در این شهرها تا سال ۲۰۱۶ برابر با ۹۷۱۱۰، ۴۶۲۵۵ و ۲۳۴۱۰ گزارش شده است. تورنتو به‌لحاظ اقتصادی از ده شهر برتر در دنیا محسوب می‌شود که به‌دلیل فرصت‌های شغلی متنوع و بستر مناسب برای ایجاد شغل‌های جدید به اولین مقصد مهاجرین برای اقامت در کانادا تبدیل شده است. همچنین از دیگر ویژگی‌های این شهر، نرخ پایین ارتکاب جرم، محیط تمیز و بالا بودن استانداردهای زندگی و برخورداری از هر ۴ فصل است. این شهر در استان انتاریو با مساحتی حدود ۲۴۳/۳ کیلومتر مربع قرار دارد. جمعیت آن قریب به ۲۶۱۵۰۶۰ نفر است که از پرجمعیت‌ترین شهرهای کانادا محسوب می‌شود.

1. <https://irna.ir/xjvBqh>

2. <https://ircud.ir/fa/content/284171/>

باتوجه به افزایش رو به رشد آمار مهاجران بین المللی و در این بین مهاجرت‌های ایرانیان به کشورهای مختلف از جمله کانادا نمی‌توان چنین تصور کرد که مهاجرت کاملاً با تصمیم آنی و اتفاقی حاصل می‌شود؛ بلکه هر تصمیم مبنی بر مهاجرت، تقریباً طی چندین سال و چندین مرحله و در قالب یک فرایند اتخاذ می‌شود. (Sluzki, 1979) از محققانی است که معتقد است، پروسه مهاجرت می‌تواند به ۵ مرحله تقسیم شود: مرحله اول، مرحله مقدماتی است و آن زمانی است که افراد تصمیم می‌گیرند به هر دلیلی مهاجرت کنند. در مرحله دوم، عمل مهاجرت اتفاق می‌افتد. مرحله سوم، دوره‌ای که خانواده‌های مهاجر هنجارهای کشور قدیمی را حفظ می‌کنند و از تعامل با محیط جدید خودداری می‌کنند. در مرحله چهارم، خانواده‌ها باید خود را با شرایط جدید منطبق کنند و هویت خود را مطابق با محیط جدید شکل دهند و در نهایت مرحله پنجم، مرحله ادغام اجتماعی است. مرحله‌ای که خانواده به‌عنوان بخشی از یک فرهنگ یا کشور جدید می‌شود؛ یعنی به‌لحاظ اجتماعی با دیگری بومی، ادغام می‌شود و آداب و رسوم جدید را در پیش می‌گیرد.

با همه این اوصاف، مهاجرت فرایندی آسان نیست؛ بلکه همیشه با دغدغه‌ها، مسائل، مشکلات و چالش‌هایی همراه بوده است. آن مستلزم ایجاد ارتباط بین فرهنگ قدیم و فرهنگ جدید، یادگرفتن زبان جدید، قوانین و مقررات و یافتن شبکه‌های اجتماعی - حمایتی جدید است. هرچند این مسائل و مشکلات برای همه مهاجران صدق می‌کند، اما عمق و تأثیر آن برای خانواده‌هایی که خصوصاً فرزندان دارند، بیشتر و پررنگ‌تر است؛ زیرا مهاجرت بر هر روی می‌تواند بر رشد و پرورش آن‌ها تأثیر بگذارد. اهمیت توجه به این موضوع سبب شد، در این مطالعه گفت‌وگوهای تلگرامی والدین کودکان و نوجوان ایرانی مهاجر در تورنتو که بیشتر برای یافتن راه‌حلی برای مشکلاتشان در کشور مقصد شکل گرفته، مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. محققان این مطالعه بر این اعتقادند که آشکار ساختن این مسائل و مشکلات از طریق روش تماتیک، نه‌تنها می‌تواند مهاجران را از تأثیرات و پیامدهای مهاجرت آگاه سازد؛ بلکه حتی سبب می‌شود مهاجران و کشورهای میزبان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق‌تری برای فرایند مهاجرت و ادغام آن‌ها با شرایط داشته باشند.

پیشینه پژوهش

سارا شیشه‌گر مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر مهاجرت بر وضعیت سلامت ایرانیان» در سال (۲۰۱۵) انجام داد. او در این مطالعه که مروری بر ۲۶ مقاله بود به این نتیجه رسید که یافته‌های این بررسی به تدوین چارچوب مفهومی در خصوص تأثیر مهاجرت بر سلامت

مهاجران ایرانی کمک کرده است. همچنین نتایج این مطالعه در پرداختن به نیازهای سایر گروه‌های آسیب پذیر در مرحله انتقال مهاجرت کمک کرده است.

سحر صادقی در پژوهشی تحت عنوان «بار انگ موقعیت ژئوپلیتیک: مهاجران ایرانی و فرزندان بزرگسال آن‌ها در ایالات متحده آمریکا» که در سال (۲۰۱۵) با استفاده از مصاحبه عمیق با ۳۲ ایرانی مهاجر در شمال و جنوب کالیفرنیا انجام داده، به این نتیجه رسیده است که رابطه ژئوپلیتیکی بین دولت ایران و ایالت متحده بر زندگی ایرانیان در ایالت متحده تأثیر می‌گذارد. به‌طور خاص سیاست‌های جهانی، زمینه را برای انگ‌زنی بر ایرانیان مهاجر فراهم می‌کند و باعث می‌شود، آن‌ها مسائلی از قبیل تبعیض نژادی، قومی و تعصب ضدایرانی را تجربه کنند.

رزیتا میرصادقی در تحقیقی با عنوان «تجربیات کودکان مهاجر از مدرسه: مطالعه موردی کودکان ایرانی در تروندهایم، نروژ» در سال (۲۰۱۳) به این یافته رسیده است که احساس محرومیت رایج‌ترین چالشی است که شرکت‌کنندگان با آن روبه‌رو هستند. چنین احساسی به دلایل مختلفی از جمله احساس انزوا هنگام ورود، تجارب قلدری یا طرد توسط همسالان اتفاق افتاد.

به‌علاوه یافته‌های این تحقیق سه عامل اصلی و اساسی را در پشت تجربیات افراد آشکار ساخت: ۱. عدم آشنایی با زبان کشور مقصد ۲. نقش مهم والدین و ۳. نقش مهم معلمان مدرسه مهدیه دستجردی در سال (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «مهاجرت ایرانیان به منطقه بزرگ تورنتو: یک مطالعه کیفی» انجام داد. او در این مطالعه از مصاحبه روایتی با ۳۳ نفر متخصص در حوزه سلامت و ۵ مددکار اجتماعی و نیز از سه گروه کانونی استفاده کرده و در طی آن به سه مضمون اصلی دست یافته است که عبارتند از: ۱. مانع زبانی و عدم دانش کافی درباره خدمات سیستم‌های مراقبت بهداشتی ۲. عدم اعتماد به خدمات بهداشتی-درمانی و ۳. نیاز به حمایت روان‌شناختی.

شبنم کوثر آک‌کاپارا در سال (۲۰۰۹) تحقیقی با نام «شبکه‌های بازانديشي مهاجران و سرمایه اجتماعی: مطالعه موردی ایرانیان در ترکیه» انجام داده است. وی در این مطالعه با ۴۳ نفر از ایرانیان مهاجر در شهرهای مختلف ترکیه مصاحبه کرده و به این یافته‌ها رسیده است که شبکه‌های مهاجران ایرانی در کشوری مانند ترکیه ساختارهای ثابتی نیستند؛ بلکه تحت تأثیر متغیرهای کلانی مانند سیاست‌های فعلی مهاجرت و پناهندگی قرار دارد. همچنین این شبکه تحت تأثیر متغیرهای در سطح خردی مانند جنسیت، مذهب و قومیت مهاجران است.

محمدرضا محمدی و همکارانش در سال (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «شیوع مشکلات روانی در بین کودکان و نوجوانان ایرانی مهاجر در انگلستان» با استفاده از روش پیمایش با به‌کارگیری ابزار پرسشنامه در بین ۱۱۱ پسر و ۱۳۳ دختر در سنین بین ۶ تا ۱۵ سال انجام دادند. نتایج این مطالعه حاکی از این بود که سطح مشکلات روان‌شناختی در این گروه به اندازه همتایانشان در ایران و همچنین ایالت متحده است که این می‌تواند ناشی از عوامل استرس‌زای مهاجرت و آموزش دو زبانه باشد.

Hanassab, Sh در مطالعه‌ای با نام «رابطه جنسی، آشنایی و استانداردهای دوگانه: مهاجران جوان ایرانی در لس‌آنجلس» که در سال (۱۹۹۸) و از طریق مصاحبه عمیق انجام شده به این نتایج رسیده است که رفتارها با نگرش‌ها منطبق است. تغییر نگرش افراد با جابه‌جایی و قرار گرفتن در فرهنگ جدید منجر به شکل‌گیری رفتارهای دیگر در خصوص جنسیت و دوست‌یابی می‌شود.

مهدی بزرگمهر در مطالعه‌ای با عنوان «از ایران‌شناسی تا مطالعات ایرانیان در ایالات متحده» که در سال ۱۹۸۷ و از طریق پرسشنامه تلفنی با ۶۷۱ نفر انجام شده به این نتیجه رسیده است که بین حمایت‌های اجتماعی و دستیابی به موقعیت‌های شغلی و منابع درآمدی ارتباط وجود دارد.

به‌طورکلی در رابطه با دلایل مهاجرت خصوصاً دلایل مهاجرت نخبگان مقالات و مطالعات بسیاری چه در داخل و چه در خارج انجام شده است، اما در رابطه با تأثیرات مهاجرت بر کودکان و نوجوانان خصوصاً در داخل تعداد مقالات اندک است. از طرفی مقالاتی که انجام شده‌اند نیز بیشتر در حوزه روان‌شناسی هستند. از این رو مطالعه جامعه‌شناختی این موضوع با توجه به سیر گسترده مهاجرت در سال‌های اخیر و تأثیرات آن بر کودکان و نوجوانان می‌تواند هم اطلاعات ارزشمندی به جامعه علمی عرضه کند و هم اینکه در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه مؤثر واقع شود.

راهنمای نظری تحقیق

در رابطه با مهاجرت و دلایل آن نظریه‌های مختلفی وجود دارد که در ذیل به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. مطابق نظریه کلان اقتصاد نئوکلاسیک، مهاجرت ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی عرضه و تقاضای نیروی کار است. بازار کار مکانیسم اصلی است که جریان‌های مهاجرت بین‌المللی کار را ایجاد می‌کند. اغلب نیروهای کار از کشورها با دستمزد پایین به سمت کشورهای با دستمزد بالا مهاجرت می‌کنند. براساس این دیدگاه، اگر تفاوت‌های دستمزدی

از بین برود، دیگر مهاجرتی توسط نیروهای کار اتفاق نخواهد افتاد. برخلاف رویکرد اقتصاد کلان، در دیدگاه اقتصاد خرد (هزینه-فایده) به تصمیم‌گیری فردی مهاجرت توجه می‌شود. در واقع، افراد به صورت فردی با محاسبه هزینه-فایده نسبی ماندن در سرزمین مبدأ یا حرکت به سوی مقصدهای مختلف، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. نظریه بازار کار دوگانه، مهاجرت‌های بین‌المللی را ناشی از تقاضای نیروی کار در جوامع نوین صنعتی می‌داند. پیرو (۱۹۷۹) استدلال می‌کند که مهاجرت اساساً ناشی از تقاضای کار از کشورهای مقصد است و معمولاً از طریق برنامه‌های جذب نیروی کار خارجی آغاز می‌شود. فرض اساسی این است که بازار کار کشورها به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ بخشی با مهارت بالا و پردرآمد و بخشی کم مهارت و کم درآمد که اشتغال در بخش اول مربوط به موقعیت و منزلت اجتماعی بالا، استخدام در بخش دوم با حقوق و منزلت پایین است و مکانیسم‌های مختلفی وجود دارد که نیاز به نیروی کار خارجی را توضیح می‌دهد. تنظیم دستمزد در بازار، تأمین نیروی کار در مشاغل سطح خارجی را توضیح می‌دهد. تنظیم دستمزد در بازار، تأمین نیروی کار در مشاغل سطح پایین، ایجاد انگیزه برای نیروی کار بومی، گسترش شبکه‌های قومی و نیاز به نیروی کار در بخش ثانویه که در گذشته توسط زنان و کودکان تأمین می‌شد، از جمله عواملی است که بازار کار نیاز به مهاجرت دارد (سجاستاد، ۱۹۶۲).

در نظریه اقتصاد جدید، تصمیمات مهاجرتی به وسیله هر یک از افراد به تنهایی گرفته نمی‌شود؛ بلکه واحدهای بزرگ‌تری مثل خانواده چنین تصمیماتی را می‌گیرند که در آن نه فقط برای بیشتر کردن درآمد مورد انتظار بلکه همچنین برای کمتر کردن خطرات و محدودیت‌های همراه با شکست‌های گوناگون بازار، به جز آن‌هایی که در بازار وجود دارد به طور جمعی عمل می‌کنند. در حالی که بعضی از اعضای خانواده می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی محلی داشته باشند. دیگران ممکن است برای کار در بازارهای کار خارجی که در آن حقوق و شرایط اشتغال با هم رابطه منفی دارند، اقدام کنند. در صورتی که شرایط اقتصادی محلی مناسب نباشد یا درآمد کافی به دست نیاورند، خانواده تصمیم به مهاجرت آن فرد می‌گیرد (Sjaastad, L, 1962).

در نظریه محرومیت نسبی، منگالام و شوارزولر معتقدند که احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب، تحت شرایط خاصی موجب مهاجرت می‌شود. بر این اساس، مهاجرت یک رفتار تصادفی نیست؛ بلکه پاسخی برای رفع محرومیت‌ها محسوب می‌شود. وقتی وضعیت اجتماعی موجود نتواند نیازهای فرد را در حداقل مقدار برآورده

سازد، افراد فکر حرکت به مکان‌های دیگر را در سر می‌پرورانند. به جاهایی که به نظر آن‌ها شانس بهتری برای برآوردن نیازهای برآورده نشده و رفع محرومیت محسوس خود خواهند داشت، اما این حرکت فقط به علت محرومیت‌ها نیست؛ بلکه شناخت این محرومیت‌ها و فرایندهای اثرگذاری این محرومیت باعث رفتار مهاجرتی می‌شود. مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت نسبی است (به نقل از حاج حسینی، ۱۳۸۵).

در نظریه جاذبه و دافعه مهاجرتی، افراد بیشتر وقت‌ها بر اثر عامل‌های جذاب نقطه‌های مهاجرپذیر و عامل‌های دفع‌کننده، نقطه‌های مهاجرفرست مبادرت به مهاجرت می‌کنند. (Lee, E, 1996) بر عوامل جذب و دفع تأکید نموده و آن‌ها را منشأ بروز مهاجرت می‌داند. مطابق نظریه جاذبه و دافعه لی، چهار دسته از عوامل بر مهاجرت تأثیرگذار هستند:

۱. عواملی که با حوزه مبدا ارتباط دارند (عوامل دافعه)

۲. عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارند (عوامل جاذبه)

۳. عوامل فردی و شخصی

۴. عوامل بازدارنده

تصمیم افراد به مهاجرت به پنداشت آن‌ها از وضعیت جامعه مبدا و مقصد برمی‌گردد. افراد در تلاش‌اند از موقعیتی ناخوشایند جدا شوند و به جامعه‌ای با امکانات نسبتاً بهتری وارد شوند. اگر فرد هزینه-منفعت موقعیت را بسنجد و عوامل جذب و دفع را در نظر بگیرد، منافع مهاجرت بر هزینه‌هایش بچربد، نقل مکان می‌کند. این تصمیم‌گیری بر مهاجرت با تأکید بر ارتقای کیفیت زندگی است. سرانجام قصد رفتن به جابه‌جایی می‌انجامد؛ اگر چه وقایع غیرمنتظره نیز ممکن است در تصمیم فرد تأثیر بگذارد (ویکس، ۱۳۹۵).

روش پژوهش

این پژوهش کیفی با روش تحلیل تماتیک و با بررسی داده‌های متنی گروه تلگرامی والدین کودکان و نوجوان ایرانی مهاجر در تورنتو انجام شده است. نحوه نمونه‌گیری آن به صورت هدفمند و از طریق خوانش پیام‌های ۱۰ روز اول هر ماه به مدت سه سال یعنی از می ۲۰۱۸ تا جولای ۲۰۲۱ صورت گرفته است. روش تحلیل آن به صورت تماتیک است که از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه در مردم‌نگاری و یا در تحلیل داده‌های متنی است. بدین ترتیب که از طریق استقرای تحلیلی، داده‌های متنی گروه تلگرامی مورد بررسی و متناسب باهدف که شناسایی دغدغه‌ها و چالش‌های والدین در

رابطه با فرزندان نشان است، گروه‌بندی شدند.

ویژگی‌های گروه تلگرامی ایرانیان مهاجر در تورنتو: این گروه در ۲۸ می ۲۰۱۸ ساخته شده و تا ماه جون ۲۰۲۱ تعداد ۱۵۱۰ نفر عضو داشت که این تعداد در ماه جولای ۲۰۲۱ به ۱۴۹۱ کاهش یافت. این امر حاکی از این است که تعداد اعضای این گروه ثابت نیستند و والدین معمولاً پس از ادغام کودکان و نوجوانان خود با محیط و کاسته شدن دغدغه‌ها و چالش‌هایشان، تمایل کمتری برای حضور در گروه تلگرامی دارند. موارد به اشتراک گذاشته‌شده والدین کودکان و نوجوانان در این گروه تلگرامی شامل ۶۱ ویدئو، ۴۰ فایل، ۱۰۵ فایل صوتی، ۱۳۱۹ لینک و ۱۳ پیام صوتی بود که همگی در رابطه با کودکان و نوجوانان و دغدغه‌ها و چالش‌های مربوط به آن‌ها بود.

یافته‌های پژوهش

تحلیل تماتیک گفت‌وگوهای والدین کودکان و نوجوان ایرانی مهاجر در تورنتو حاکی از این است که موضوعات اساسی مورد بحث میان این دسته از والدین در ۸ دسته ادغام و انطباق اجتماعی، فرهنگ‌پذیری، عملکرد مدرسه، قلدری، هویت و عزت‌نفس، زبان، دسترسی به خدمات پزشکی، اوقات فراغت و آب‌وهوا قابل دسته‌بندی است.

ادغام و انطباق اجتماعی

مهاجرت یک فرایند تغییر هم برای مهاجران و هم برای جامعه میزبان است. در این فرایند هم مهاجران و هم جامعه میزبان تحت تأثیر تغییراتی قرار می‌گیرند. به‌طورکلی مهاجران در معرض فرهنگ، محیط جدید و جامعه میزبان در معرض تنوع و ناهمگونی بیشتر قرار می‌گیرد. با این حال مسئله مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چگونه جوامع میزبان از این تنوعات سود می‌جویند و مهاجران چگونه تجربه مهاجرت خود را در محیط‌های جدید مدیریت می‌کنند. پاسخ به این سؤال‌ها در فرایند ادغام نهفته است که از طریق آن می‌توان این تغییرات و تنوع را مدیریت کرد.

«ادغام مهاجران»، اصطلاحی مبهم است که در زمینه‌های مختلف به‌صورت‌های متفاوت برداشت می‌شود. در واقع ادغام به فرایندهایی متقابل اشاره دارد که از طریق آن مهاجران و جوامع میزبان تحت تأثیر قرار گرفته و به تعبیری با شرایط جدید سازگار می‌شوند، اما روند ادغام در یک جامعه جدید آسان نیست و علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که انجام می‌شود، کودکان مهاجر هنوز هم ممکن است برای سازگاری با محیط جدید با مشکلاتی روبه‌رو شوند. در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی خانواده‌های ایرانی مهاجر در تورنتو،

این چالش و دغدغه به این صورت نمایان شد:

«چند جلسه قبل از مهاجرت از مشاور کودک کمک گرفتیم و ایشان هم اطمینان دادند که جای نگرانی نیست و دخترم تمام مهارت‌های لازم برای مهاجرت را دارد. بعد از مهاجرت، خوب من این جا تمام وقت خانه بودم. می‌دیدم که با وجود تمام توانمندی‌ها، چقدر تطابق با مدرسه و دانش‌آموزان دیگر و... زمان بر هست و پراسترس. چقدر بچه‌ها نیاز دارند که کسی پشتشون باشه که بهش اعتماد داشته باشند و بتونن باهاش حرف بزنن و مسائلی که بسیار ساده و پیش‌وپا افتاده بود و در ایران اصلاً نیاز به فکر کردن برای حلش نبود، اینجا براشون به چالش تبدیل میشه. کمی طول می‌کشه بچه‌ها تو جامعه کانادایی حل بشن و هرکارکنیم هنوز خارجی هستن و برای اینکه این بار رو به سلامتی زمین بگذارند نیاز به کمک دارن، نیاز دارن کسی که میدونن هم‌جوره دوستشان داره، گوشه این بار رو بگیره...»

«سلام بر دوستان ما نیوکامر هستیم دختر سه‌ساله من خیلی تنهاست و همه‌اش تو خونه است و نیاز به هم بازی داره چون ایران خیلی دوروبرش شلوغ بوده الان نگرانشم... شما مهدکودکی که مربیاش فارسی باشه سراغ دارین... چون می‌ترسم بزارم مهد انگلیسی بیشتر افسرده تر بشه... ممنون میشم راهنمایی کنید یا آیا برنامه خاصی برا این سنین صبح‌ها جایی برگزار میشه تا ببرمش؟»

«سلام بر شما، برای تطبیق با محیط بهتر است که ابتدای راه به‌اتفاق دختر نازتون به پارک‌ها و یا بخش‌های کودکان در کتابخونه‌ها بروید.»

«سلام دوست عزیز، حال روحی دخترتون کاملاً طبیعی‌ه و با گذشت زمان بهتر میشه. ما ۳ ماهه که اومدیم و دخترم ۷ سالشه، تو ۵/۱ اول واقعاً مثل آدم‌های بزرگ دپرشن گرفته بود، دوست نداشت هیچ کاری بکنه و از دور شدن از ما می‌ترسید و گریه می‌کرد. نمی‌تونم بگم که الان حال ایرانش رو داره ولی خیلی بهتره. سعی کنید که کلاس‌های مادر و کودک ببریدش که احساس امنیت بیشتری کنه. امیدوارم که خیلی زود شرایط براش بهتر بشه.»

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شده است، در فرایند ادغام اجتماعی، عوامل مختلفی نظیر میزان ارتباطات اجتماعی افراد با دیگران، محیط، شناخت قوانین و تسلط بر زبان مؤثر هستند. مهدهای کودک، مدارس و بازی‌ها این امکان را برای کودکان فراهم می‌کنند تا با همسالان خود آشنا شده و فرایند ادغام اجتماعی را راحت‌تر طی کنند. در این راستا، بسیاری از محققان از جمله (Ferguson, B, 2011) بر این اعتقادند که مسلط شدن بر زبان کشور میزبان

یکی از عوامل مهم برای ادغام مهاجران است. توانایی تکلم به زبان میزبان تقریباً در همه جنبه‌های زندگی روزمره مانند دسترسی و ادغام در بازار کار، درک قوانین و مقررات جامعه و دسترسی به خدمات تأثیر بسزایی دارد. در واقع تسلط به زبان ملی برای مشارکت اجتماعی در محیط زندگی روزمره بسیار مهم است. زبان به‌عنوان حامل اطلاعات و ابزاری برای ساخت‌دهی فرایندهای فکری کمک می‌کند و بنابراین بدیهی است که برای یادگیری و توسعه ضروری باشد (Vedder P. & Horenczyk. G & Liebkind. K., 2006). یادگیری زبان نه فقط یک مسئله آموزشی، بلکه یک شرط لازم برای تعامل موفق با مردمی از سایر گروه‌های فرهنگی و زبانی در داخل و خارج از مرزهای یک جامعه است (وزارت آموزش و تحقیقات نروژ، ۲۰۰۳-۲۰۰۴). این مهم در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی این‌گونه آشکار شد:

«یک فرد باهوش از نظر عاطفی هم آسیب‌پذیرتر هست. بنابراین باید آمادگی مهاجرت از هر نظر را داشته باشه، مثلاً دانستن زبان انگلیسی تاحدی که موقع ورودش احساس گوشه‌نشینی نکنه، عدم وابستگی، توانایی پذیرش محیط کاملاً متفاوت و...».

«همه ما کمابیش این مسئله را داشتیم. من پسرم اومدیم اینجا رفت کلاس اول و زبان هیچی بلد نبود. چنان بلدن با بچه‌های نیوکام رفتار بکنن که هر روز با شور و شوق پا می‌شد که بره مدرسه. انگلیسیش هم خیلی زود راه افتاد».

علاوه بر مسئله نحوه انطباق با محیط و عوامل مؤثر بر آن باید به پیامدهای مهاجرت و عدم انطباق با شرایط برای بزرگسالان و خصوصاً کودکان، در سال‌های نخست نیز اشاره کرد. معمولاً کودکانی که به‌تازگی وارد شرایط جدید شده‌اند به دلیل عدم آشنایی با دنیای پیرامونشان، مشکلات زبانی و مواردی از این دست دچار تکانش‌های روحی و روانی، استرس، اضطراب، خشم، ترس و... می‌شوند که لازم است، خانواده‌های مهاجر به این موضوعات توجه کرده آن‌ها را اموری بدیهی نینگارند و در رفع این اختلالات روان شناختی قبل از مهاجرت اقدام نمایند.

عملکرد مدرسه

مسئله آموزش و مدرسه کودکان از مهم‌ترین مسائلی است که بسیاری از مهاجران با آن روبه‌رو هستند. با توجه به اینکه کودکان مهاجر با طیف گسترده‌ای از نیازها و شرایط آموزشی روبه‌رو هستند؛ بنابراین عواملی مانند زمینه اقتصادی- اجتماعی، جابه‌جایی محل سکونت، مقابله با استرس ناشی از مهاجرت و قرارگیری افراد در فضای جدید بر عملکرد تحصیلی و آموزشی آن‌ها در هر سطحی خصوصاً دوره کودکی تأثیرگذار است. از طرفی باید

افزود که ورود فرزندان مهاجر به مدرسه در کشور مقصد نه تنها مسائل و چالش‌هایی برای والدین و فرزندان نشان ایجاد می‌کند؛ بلکه خود نظام آموزشی کشور مقصد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد که به یقین کشورهای میزبان باید سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های درست و مناسبی داشته باشند.

در نقل قول‌های ذیل که از زبان مادران و پدران گروه تلگرامی ایرانیان مهاجر به تورنتو است، این چالش و نگرانی به این صورت شرح داده شده است:

«من اگر جای والدین این بچه بودم و در ایران شرایط خوبی داشتم، مطمئناً الان بچم رو از ایران خارج نمی‌کردم، چون مهاجرت به قدری والدین رو درگیر می‌کنه که حتماً آموزش این بچه تحت تأثیر قرار می‌گیره. ضمناً تا می‌تونن اینجا برای شکوفایی استعدادها، بچه، کاری نکنن، وقت و فرصت‌های زیادی رو از دست میدن. خانواده باید اینجا واقعا تثبیت شده باشن از هر نظر تا بتونن همه‌جانبه بچه‌شون رو کاور کنن. نظر بنده‌ست شاید دوستان تجربه متفاوت داشته باشن»
 «سلام دوستان. کسی در مورد دبیرستان western technical commercial school اطلاعاتی داره یا کسی رو می‌شناسین اونجا درس خونده باشه. ممنونم».
 «من ۲ پسر دارم که امسال برای تحصیل به تورنتو آوردم و در گرید ۹ و ۱۲ در blyth academy مشغول تحصیل هستند. به علت گرانی دلار، آیا مدرسه خوب با قیمت مناسب برای گرید ۱۰ سراغ دارید؟»

نقل قول‌های فوق، گزینشی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های والدین ایرانی مهاجر در تورنتو را در رابطه با آموزش و مدرسه فرزندان نشان نشان می‌دهد. از آنجایی که اکثر اعضای این گروه تازه وارد هستند و هنوز با شرایط و محیط جدید انطباق نیافته‌اند و از سوی دیگر، قوانین و مقررات را در کشور مقصد نمی‌دانند؛ بنابراین بیشتر دچار شک تردید و سردرگمی می‌شوند. در این زمینه، تازه‌واردی که با تنش‌ها و آسیب‌های ناشی از مهارت‌رو به‌رو هستند، نیازهای ویژه‌ای را در کشور مقصد دارند و اغلب قبل از مدرسه نیاز به مشاوره و کمک دارند. طبق نظر این محقق، سطح سازگاری کودکان در محل سکونت بر عملکرد مدرسه‌ای آن‌ها منعکس می‌شود. موفقیت برخی از کودکان در مدرسه، نشان می‌دهد که آن‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی توانسته‌اند با فرهنگ و محیط جدید منطبق شوند و عملکرد ضعیف برخی کودکان در آموزش نشان می‌دهد که برای انطباق بیشتر با فرهنگ جدید نیاز به وقت و اقدامات بیشتری از سوی خانواده و نهاد مدرسه هستند. Glick, J. E., & Hohmann-Marriott, B. (2007) نیز اشاره می‌کنند که همه کودکان مهاجر از زمینه‌های مختلفی آمده‌اند و مهاجرت را به‌طور مختلفی تجربه کرده و

می‌کنند، اما آنچه بیش از هر عامل دیگری بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی آن‌ها مؤثر است، خانواده و مشارکت والدین است. والدینی که به دلیل وضعیت اقتصادی نامساعد و درآمد کم ناچار هستند، بیشتر وقت خود را صرف کار کنند، از وضعیت تحصیلی و ارتباطی فرزندان خود غافل می‌شوند که این امر در روند آموزشی فرزندان نشان آشکار می‌شود.

در تأیید این نکته نیز Watters, C. (2008) در تحقیقی عنوان کرده که موفقیت مدرسه‌ای کودکان با محیط اجتماعی اطراف کودک و همچنین رابطه والدین و کودک ارتباط دارد. هرچه پدر و مادر بیشتر به تحصیل فرزندان خود توجه کنند، نتایج تحصیلی بهتری حاصل می‌شود. همچنین طبق نظریات موجود، مدارس باید به این نتیجه برسند که چگونه به دانش‌آموزانی که با یکدیگر متفاوت هستند، آموزشی را که برای همه یکسان باشد، ارائه کنند. علاوه بر این، مدارس و خصوصاً معلمان باید برای ایجاد روابط قوی و مثبت بین دانش‌آموزان با زمینه‌های مختلف تلاش کنند و با درک و شناخت از سوابق و نیازهای دانش‌آموزان اموری مثل نژاد، قومیت، تبعیض فرهنگی و قومی را تعمیم ندهند (Reynolds, G, 2008).

همچنین بسیاری از محققان به نقش معلمان در رشد اجتماعی کودکان مهاجر تأکید کرده‌اند. بدین صورت که معلمان به‌عنوان واسطه، می‌توانند نقش فعالی در تعاملات کودکان مهاجر با همسالان داشته باشند و می‌توانند کودکان را در ایجاد روابط دوستانه با همکلاسی‌هایشان حمایت کرده و به آن‌ها در این زمینه کمک کنند.

یکی دیگر از مسائلی که آموزش کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، میزان تسلط بر زبان انگلیسی است. کانادا از کشورهایی هست که در سیستم آموزشی آن از دو زبان فرانسه و انگلیسی استفاده می‌شود، بنابراین این امر برای مهاجرانی که فرزندان‌شان هنوز به‌طور کامل نه با محیط و نه بر زبان انگلیسی تسلط لازم را پیدا نکرده‌اند، مسئله‌ساز خواهد بود، برای مثال به این نقل قول‌ها توجه کنید:

«سلام دوستان... کسی تو این گروه میتونه فرق مدارس فرنچ و فرنچ امرژن رو به من بگه؟؟؟ کسی هست که فرزندش مدرسه فرنچ بره؟؟؟».

«سلام به نظر بنده کار درستی نیست. اکثر کسانی که اینجا بچه‌هاشون رو کلاس فرانسه زبان می‌ذارن خودشون زبان اولشون انگلیسی هست، بعضی از هموطنان این مطلب رو بهش توجه نمیکنن، بچه‌ای که هنوز به زبان انگلیسی آشنا نیست یا تسلط نداره بسیار کار اشتباهی هست این کار مگر اینکه بخوایم با اینکار پز بدیم که البته بین ما رایجه» که نمی‌دونم چه چیزی برای پز دادن داره، از گرید ۴ زبان فرانسه به‌طور خودکار وارد برنامه درسی بچه‌ها میشه که طی این سه سال بچه‌های فارسی زبان کاملاً به زبان انگلیسی از هرجهت

مسلط شده و در واقع تبدیل به زبان اولشون میشه».

«وقتی خود بچه هنوز زبان انگلیسی رو بلد نیست، چرا باید بره؟ درحالی که زبان اول اینجا و همه جای دنیا انگلیسیه، واقعا به همین دلیل که پدر یا مادر چون میدونه باید بچه، اول بره فرانسه زبان شروع کنه؟ مگه قرار نیست حتی تحصیلات دانشگاهی هم انگلیسی بخونه؟ خب اشکالش چیه که طبق چارت آموزشی مدرسه بره جلو؟».

«سلام دوستان، یک سؤالی در مورد french immersion schools آیا دوستان کسی تجربه این مدرسه‌ها رو داره؟ به بچه‌های ایرانی که زبان فرانسه سومین زبان میشه برایشون، آیا برای فرزندتون راحت بود؟ از اونجایی که York region انتخاب برای grade 1 هست، خیلی ممنون میشم که تجربتون را با من به اشتراک بزارین».

علاوه بر مسئله زبان که اشاره شد، عدم آشنایی با قوانین و مقررات نظام آموزشی کانادا نیز برای مهاجران تازه وارد مسئله ساز شده است. نحوه تطابق سال‌های تحصیلی کشور مبدأ (ایران) با کشور مقصد (کانادا) و عدم آشنایی با مقررات خود مدارس، نظیر زمان شروع و پایان آن همه، مؤید این نکته هستند.

«سلام عذر می‌خواهم ما نیوکامر هستیم و دخترم سه‌شنبه باید بره تست بده برای تعیین گرید می‌خواستم ببینم کسی تجربه اشو داره و تست‌ها چی هست؟ درضمن دخترم ایران باید میرفته کلاس چهارم امکانش هست پایین‌تر یا بالاتر بیوفته؟».

«سلام و روز بخیر. یک سؤال داشتم ممنون میشم اگر کسی پاسخگو باشد. اینجا روز اول مدرسه، بچه‌ها همان تایم عادی تعطیل می‌شوند یا زودتر؟».

«سلام، سؤالی داشتم راجع به سیستم آموزشی تورونتو برای بچه‌های گرید ۱۱. شنیدم که اگر دانش‌آموزان از نحوه تدریس معلم درسی در مدرسه پابلیک راضی نباشن، می‌تونن همان درس را در مدرسه پرایوت داشته باشن. ممنون میشم آگه کسی اطلاعاتی در این زمینه داره بگه و یا اینکه این کار، کار درستی هست؟»

زبان

مسائل و مشکلات زبانی، زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که کودکان در سنی کمتر از ۴ سال هستند و هنوز زبان مادری آن‌ها کاملاً فراگرفته نشده است که مسئله یادگیری زبان انگلیسی هم (زبان کشور مقصد) بدان اضافه می‌شود. هرچند شایان ذکر است که کودکانی هم که در سن مدرسه هستند با این مشکل به کرات روبه‌رو هستند؛ زیرا هنوز

به‌طور کامل بر زبان مقصد مسلط نشده‌اند و از طرفی زبان و لهجه آموخته شده آن‌ها در کشور مبدأ با زبان بومی و محلی کشور مقصد متفاوت است و همین امر، نه تنها فرایند انطباق‌پذیری آن‌ها را با محیط و شرایط جدید دشوار می‌کند؛ بلکه حتی به‌لحاظ آموزشی هم آن‌ها را با افت‌هایی مواجه می‌کند. در ذیل به چند نمونه از گفت‌وگوهای والدین در گروه تلگرامی حول این مسئله اشاره می‌شود:

«برای تقویت انگلیسی چه کار باید بکنیم؟ من پسر ۱۲ ساله دارم که کلاس ششم وارد مدارس اینجا شد و از اولش هم بهش ESL ندادند، ولی الان که کلاس هفتمه، هرچند اسپیکینگ و لیستنینگش پسر ۱۲ ساله خیلی خوبه؛ ولی تو رایتینگ مشکل داری و معلمش گفت به‌خاطر ایراد در نوشتار نتونسته نمره کامل جغرافی و هلث رو بگیره».

«سلام دوستان برای بهبودی writing بچه‌ها کلاس یا معلمی می‌شناسید؟»
«ما تازه چندماهه اومدیم کانادا و یه پسر ۱۲ ساله دارم که گرید ۶ هستش متأسفانه تو این پنج ماه که رفت مدرسه زبانش آنچنان پیشرفتی نداشته (البته شاید من انتظار زیاد داشتم) ما تو منطقه ریچموند هیل هستیم، اگه کلاس زبان خوب و مفیدی تو این منطقه سراغ دارید لطفاً بهم معرفی کنید ممنون می‌شم. چون واقعاً نگران یادگیری زبانش هستم».
«خیلی ممنون از توضیحتون. بچه من از وقتی رفت دی کیر فارسیش مثه قبل نیست و خیلی وسطش انگلیسی صحبت می‌کنه».

همان‌طور که از موارد فوق آشکار است، بسیاری از کودکانی که در سن مدرسه هستند، به‌طور کامل بر زبان انگلیسی تسلط نیافته‌اند و همین امر روند آموزشی آن‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است، اما بخش دیگر از مشکل زبان اشاره به کودکان زیر ۴ سال که هنوز در سن مدرسه نیستند، برمی‌گردد. معمولاً این کودکان هنوز بر زبان نخست یعنی زبان مادری مسلط نشده‌اند که در معرض دو زبانگی هم قرار می‌گیرند. بدین معنا که از یک سو زبان فارسی والدین خود را گهگاه در محیط خانه می‌شنوند و از سوی دیگر با زبان انگلیسی در محیط مهد یا در جامعه آشنا می‌شوند و همین دو زبانگی نوعی تأخیر در زبان‌آموزی آن‌ها ایجاد می‌کند و حتی در پاره‌ای از موارد مشاهده می‌شود که به دلایلی شرایط محیطی، زبان دوم بر زبان اول و مادری پیشی بگیرد.

همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که سرعت فراگیری زبان انگلیسی کودکان به نسبت بزرگسالان و استفاده از تکه‌کلام‌ها و کلمات انگلیسی در جملات نه تنها در کیفیت برقراری ارتباط آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بلکه حتی سبب می‌شود فرهنگ‌پذیری جدید آن‌ها

در مقایسه با والدینش سریع‌تر اتفاق بیفتد و همین امر نوعی تعارض میان فرهنگ پذیرفته‌شده آن‌ها در کشور مقصد و فرهنگ اولیه ایجاد کند.

قلدری، عزت‌نفس و بهزیستی عاطفی

یکی از چالش‌هایی که خانواده‌های ایرانی مهاجر در کشورهای مقصد در رابطه با فرزندانشان مواجه هستند، مسئله قربانی قلدری شدن فرزندانشان است. «قلدری یا bullying» به نوعی از رفتار تهاجمی اطلاق می‌شود که یک یا چند فرد به منظور ایجاد صدمه و ناراحتی نسبت به فردی دیگر اعمال می‌کنند و این رفتار می‌تواند به اشکال مختلف آشکار و پنهان جسمانی، کلامی، سایبری، رابطه ای و... صورت بگیرد. در بسیاری از تحقیقات گزارش شده است که رابطه‌ای تنگاتنگ بین رفتار قلدری و نژاد، قومیت، زبان و فرهنگ قربانیان قلدری وجود دارد. به طوری که در مطالعه‌ای که توسط کین و همکارش در سال ۲۰۰۸ انجام شده، گزارش شده است که ۵۰ درصد از کودکان آسیایی مهاجر در مدرسه دچار تنش‌های قومی و نژادی شده‌اند.

همچنین باید اشاره کرد که قلدری در مدرسه یکی از مشکلات اجتماعی است که بسیاری از کودکان جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و قربانیان را با مشکلات شدید جسمانی و شناختی مانند اعتماد به نفس پایین، خودکشی، افسردگی، استرس و ترک تحصیل مواجه می‌کند. هرچند پیامدهای منفی قلدری و زورگویی در مدرسه را می‌توان با کمک مدیر و معلم مدرسه تعدیل کرد، اما بسیاری از این نوع اعمال ممکن است در معرض دید آن‌ها رخ ندهد؛ زیرا والدین یا معلمان همیشه در کنار کودکان و دانش‌آموزان نیستند. از طرفی به دلیل موانع زبانی و ناآشنایی به سیستم آموزشی کشور مقصد ممکن است برای والدین مهاجر درک و فهم این موضوع از تجربه فرزندانشان در مدرسه بسیار دشوار باشد. در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی این مشکل خود را این‌گونه نشان داده است:

«سلام مهشید خانوم عزیز... من تازه به این گروه توسط دوست خوبم، مهدیه جان آد شدم. امیدوارم بتونم از تجربه‌های شما عزیزان سهم ببرم. من یه دختر ۱۴ ساله دارم که امسال وارد دبیرستان میشه... به شدت اضطراب داره و از محیط دبیرستان میترسه... مرتب نگرانه bullying در دبیرستانه. نمی‌دونم دوستان دیگه با این مسئله مواجه بودن یا نه! ممنون میشم اگه از تجربیاتتون برام بگین. ظاهراً همه اینجا پسر دارن».

«سلام عزیزم خوش آمدید چرا اضطراب؟ من تا حالا در مورد پسر با این مشکل مواجه نبودم اینجا بولینگ جرمه و بعید می‌دونم چنین مشکلی به صورت

حاد وجود داشته باشد. مدارس معمولاً مشاور دارن چرا تا وارد دبیرستان نشده با مشاور مدرسه صحبت نمی‌کنید؟ شاید یک نفر تو مدرسه اذیتش میکنه که چنین فکری داره؟ معمولاً اینجا اتفاقاً آموزش میدن در مورد بولینگ و... من باز پرس و جو می‌کنم و راه حل اگر پیدا کردم، بهتون میگم عزیزم.»

«من با مشاور اول سال قبل و امسال صحبت کردم و براشون کلاس گذاشتم؛ ولی ظاهراً هنوز کاملاً حل نشده و همین باعث شده اعتماد به نفسش بیاد پایین و اضطراب درسای دبیرستان رو داشته باشه».

«برای پسر من همین طوره. اکثر کلاس چینی هستن و پسر من تنها مونده. خیلی تو خودش رفته و میگه دوست ندارم مدرسه‌ای برم که چینی‌ها هستن. برای دوستی، پیش قدم نمیشن. خوب میدونن که کجای دنیا ایستاده‌اند و برخلاف کانادایی‌ها، حسابی میدونن ابرونی‌ها چه حال و احوالی تو جهان دارن.»

«بله من هم به خاطر دیسیپلینش بچه‌هام رو گذاشتم کاتولیک و راضی هستم . همینطور که مهشید جان گفتن این مسائل تو کاتولیک کمتر ولی همه‌جا هست».

هرچند در تورنتو قانونی به نام «۴۰ اینچ» وجود دارد، مبنی بر اینکه هر انسانی مرزی به طول یک کف دست دارد و هیچ‌کس حق ندارد چه به صورت فیزیکی و چه به صورت روانی به آن نزدیک شود و ارتکاب آن نوعی تجاوز به حریم خصوصی شناخته شده و در نتیجه کنشی غیرقانونی است، اما با این حال مشاهدات و تجارب والدین در گروه تلگرامی حاکی از بروز این رفتارها در مدارس این کشور نیز است. امری که تبعات روحی و روان‌شناختی بسیار به همراه دارد. در این زمینه، Maynard, R. Brandy, Vaughn, G. (2015) در تحقیقی با عنوان «قربانی شدن قلدری در بین جوانان مهاجر سن مدرسه در ایالات متحده» عنوان کرده‌اند، جوانانی که پدیده قلدری را تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد دچار بیماری‌های عاطفی- اجتماعی، جسمانی و سوء مصرف مواد قرار بگیرند.

فرهنگ‌پذیری

یکی از مسائل دیگری که به‌طور کلی در اثر مهاجرت به وجود می‌آید و حتی در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی هم رویت شد، بحث فرهنگ‌پذیری و انطباق فرهنگی است. منظور از فرهنگ‌پذیری، فرایندی است که افراد ویژگی‌هایی از محیط و فرهنگ جدید اخذ می‌کنند و با هنجارهای اجتماعی و مهارت‌های مورد نیاز برای برقراری تعاملات مؤثر در جامعه آشنا می‌شوند (شورای اروپا، ۲۰۱۰). در واقع، در جریان مهاجرت، خانواده‌ها

مجبور هستند که برخی از جنبه‌های فرهنگ خودی را کنار بگذارند و صفات فرهنگی جدیدی را که می‌تواند برای عملکرد در یک محیط جدید مؤثر باشد را به کار گیرند. با این حال، روند ضروری سازگاری فرهنگی، بسیار پیچیده و کند است و حتی انجام آن از نظر روان‌شناختی کاری دشوار است؛ زیرا مسائل هویت و جهت‌گیری فرهنگی تا حدود قابل توجهی بر پایه فرهنگ مبدأ استوار است. در ذیل به چند نمونه از دغدغه والدین در خصوص فرهنگ‌پذیری کودکان اشاره می‌شود.

«میشه در مورد کورس‌های مذهبی که مدارس کاتولیک ارائه می‌کنن، هم صحبت کنین؟ به نظرتون روی بچه تأثیر بد می‌ذاره؟ چون ما مذهب متفاوت داریم و دوم اینکه مطرح کردن مسائل مذهبی برای بچه مشکلی ایجاد می‌کنه؟ شما در مورد کیفیت french immersion در این مدارس هم تجربه‌ای دارید؟»
 «اگر می‌تونید در مورد نحوه drop کردن درس religion راهنمایی کنید، لطفاً پیام بدید. ممنون».

«دخترهای من هم کاتولیک میرن. مثل اینکه هر سال فقط یک ترم درس. Religion. دارن و بچه‌های من تا حالا فقط به درس گذروندن. اول که بهشون انجیل دادن آوردن خونه کمی نگران شدم ولی بعد از مدتی دیدم بیشتر درباره مطالب اخلاقی صحبت میکنن تا مذهبی. تا حالا ما مشکلی نداشتیم و فکر کردم در هر سال با توجه به شرایط تصمیم بگیریم».

«دوستان سلام من به‌تازگی با ترجمه بسیار روان و داستان‌گونه‌ای از قرآن مواجه شدم که می‌تواند برای نوجوانان بسیار جالب و پاسخگو باشد، البته من برای دخترم سفارش داده‌ام که از ایران پست شود؛ ولی دوستان علاقه‌مند می‌تونند از طریق لینک مربوطه کمی با محتوای اون آشنا شوند، حال اگر مدیرگروه صلاح دانستند، تبلیغ آن را برایتان ارسال می‌کنم».

«من به دختر ۱۱ ساله دارم که چند روزه خیلی اصرار میکنه واسش پت بخریم. ما اصلاً شرایط نگه داری پت نداریم؛ ولی دخترم تمام فکرش شده پت... به‌حدی که این موضوع روی درس و مشق و اعصابش واقعاً تأثیر گذاشته. کسی میتونه منو راهنمایی کنه چیکار کنم؟!».

در رابطه با فرهنگ‌پذیری باید گفت برخی از مهاجران خود را با فرهنگ کشور مقصد هماهنگ می‌کنند و برخی با پدیده‌ای مثل «شوک فرهنگی» مواجه می‌شوند. منظور از شوک فرهنگی فرایندی است که افراد ناگهان خود را در فرهنگ جدید می‌یابند که با آن احساس بیگانگی کامل دارند. افرادی که دچار این شوک می‌شوند ممکن است

در مورد حفظ، تغییر یا در پیش گرفتن سبک زندگی جدید دچار سردرگمی شوند، اما بروز شوک فرهنگی و احساس سردرگمی پیش‌بینی می‌شود که در بین کودکان بیش از بزرگسالان باشد؛ زیرا کودکان نه تنها فاقد اطلاعات کافی از کشور مقصد هستند؛ بلکه بر اثر تصمیم والدین خود به کشور مقصد آمده‌اند؛ بنابراین عدم آشنایی با محیط، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، رسومات و خصوصاً زبان کشور میزبان در به وجود آمدن پدیده شوک فرهنگی در کودکان و در نتیجه احساس تعارض با والدین و افسردگی و استرس آن‌ها تأثیر دارد. در این زمینه (شیده حنسب ۱۹۹۸) در تحقیقی با عنوان «رابطه جنسی، آشنایی و استانداردهای دوگانه: مهاجران جوان ایرانی در لس‌آنجلس» به تجربه والدین از مهاجرت و تأثیر آن بر فرزندان اشاره کرده است. او معتقد است، تغییر ذائقه جوانان به عنوان مثال، افزایش علاقه آن‌ها به موسیقی غربی و برنامه‌های خشن تلویزیونی که از تأثیرات فرهنگی کشور مقصد است، بر احساس اضطراب و افسردگی والدین افزوده است؛ زیرا والدین از این نوع سبک رفتاری و زندگی رضایت ندارند. همچنین این محقق در تحقیق خود عنوان کرده است که ایرانیان مانند سایر گروه‌های مهاجر در ایالت متحده با مشکلات مربوط به ریشه‌کنی فرهنگ پیشین و تغییرات فرهنگی روبه‌رو هستند و با این که تجارب افراد با یکدیگر متفاوت است، اما الگوهای فرهنگی ایرانی از یک سو و محل اقامت و سازگاری با آن از سوی دیگر در درک آن‌ها از فرهنگ کشور میزبان تأثیر گذاشته است.

دسترسی به خدمات پزشکی و بهداشتی برای کودکان مهاجر

یکی از اموری که خانواده‌های ایرانی مهاجر تازه‌وارد با آن مواجه هستند، دسترسی به خدمات پزشکی و سلامتی است. این مشکل در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی به دو شکل ساختاری و غیرساختاری (عدم آشنایی با مراکز پزشکی، قوانین، تعرفه‌های پزشکی، مشکلات مالی و در نتیجه عدم توانایی در پرداخت برخی هزینه‌ها، عدم تسلط بر زبان و برقراری ارتباط مؤثر با پزشکان غیرایرانی و لذا اعتماد به آن‌ها) نمایان شده است.

«دندان‌پزشک کودکان تو منطقه ریچموند هیل می‌شناسید؟؟ ممنون میشم اطلاع بدین».

«دوستان ممنون میشم اگر می‌تونید عکس قرص سرماخوردگی کودکان رو برام بذارید، من هرچی گشتم فقط Tylenol رو پیدا کردم که برای تب‌ودرد هست، من قرص سرماخوردگی می‌خوام».

«عزیزم، برای بچه‌ها مثل ایران قرص سرماخوردگی نیست یا تاینول هست یا ادویل».

«سلام دوستان من دخترم بیمه نداره و مریض شده تب کرده ۴ سالشه شما اطلاع دارید هزینه ویزیت بیمارستان چقدر میشه؟ و یا جای دیگری غیر از بیمارستان که هزینه مناسب باشه کجا می‌تونم ببرمش؟ ممنون میشم راهنمایی بفرمایید.»
 «کلینیک ۷۰ دلار می‌گیرد؛ ولی اگر بیمارستان مراجعه کنید حتی اگر پرستار یک فشارخون از دختر شما بگیرد ۵۰۰ دلار صورت حساب برای شما می‌دهند من این تجربه را توی بیمارستان mackenzi داشتم و چون ohip نداشتم آن موقع مجبور به پرداخت شدم».

«من تجربه خودم رو براتون بگم. دکتر پسر من هم میخواست برای پرکردن دندان پسر ۱۹۵ دلار شارژ کنه. اما من با تماس‌های مکرر به سازمان هلثی اسمایل جلوی خود منشی قانعشون کردم که نباید پولی پرداخت کنم».

در تحقیقی که توسط (مهدیه دستجردی و همکارانش در سال ۲۰۱۲) با عنوان «مهاجرت ایرانیان به منطقه بزرگ تورنتو: یک مطالعه کیفی» درباره تجربه ایرانیان مهاجر از دسترسی به خدمات پزشکی و بهداشتی کانادایی انجام شده، چنین ذکر شده که ایرانیان مهاجر همچنان سعی می‌کنند، ارتباط خود را با کشور مبدأ، اقوام، دوستان و خانواده حفظ کنند و نیازهای پزشکی خود را از طریق داروهای ارسال شده از ایران یا دریافت توصیه‌های پزشکی از کشور مبدأ رفع نمایند. همچنین در این تحقیق عنوان شده که بسیاری از ایرانیان مسائل و مشکلات پزشکی را ممکن است به دلیل عدم آشنایی با مراکز پزشکی و عدم توانایی در برقراری ارتباط به دلیل مشکل زبانی تا زمان مسافرت به ایران نادیده بگیرند. همچنین این محققان در تحقیق خود به یافته‌های دیگر محققان پیرامون مهاجرت و پیامدهای آن اشاره کرده‌اند که در آغاز ورود مهاجران ایرانی مانند خود کانادایی‌ها از وضعیت سلامتی جسمی و روانی یکسان برخوردار هستند، اما به مرور زمان به دلیل مواجهه با استرس و سبک زندگی ناسالم، سطح سلامتی مهاجران کاهش می‌یابد. هرچند در کانادا و در شهر تورنتو پوشش‌های سلامتی برای خانواده‌های کم‌درآمد و افراد زیر ۱۸ سال با عناوین مختلفی مثل healthy smile در نظر گرفته شده است، اما عدم آشنایی با این قوانین، مراکز بهداشتی و اعتماد به پزشکان همچنان سبب شده، مشکل ایرانیان مهاجر تازه‌وارد به قوت خود باقی بماند.

یکی دیگر از مسائل پزشکی که بسیاری از خانواده‌های ایرانی مهاجر در رابطه با فرزندانشان مواجه هستند، مسئله مربوط به واکسن و تزریق مجدد برخی از آن‌ها است. از آنجایی که برخی واکسن‌ها مثل هپاتیت ب، ب-ت-ژ و MMR (سرخک، سرخچه و اوریون) در دو و سه نوبت به کودکان تزریق می‌شود و در هر کشوری طبق قوانین موجود

در آن کشور نوبت‌های این تزریق‌ها متفاوت است؛ بنابراین عدم هماهنگی میان این نوبت‌ها از یک‌سو و در مجبور شدن والدین به تزریق مجدد برخی از واکسن‌ها در کشور مقصد، سبب می‌شود بسیاری از خانواده‌ها دچار استرس، تردید و نگرانی شوند؛ زیرا به لحاظ پزشکی از مزایا و معایب تزریق مجدد برخی واکسن‌ها بی‌اطلاع هستند و همین بی‌اطلاعی سایر مشکلات ذکر شده سبب شده بر چالش‌ها و دغدغه‌های این خانواده‌ها افزوده شود.

«سلام دوستان عزیز اگر ممکن راهنمایی کنید برای واکسن‌گیری هفت باید به کجا مراجعه کنم».

«سلام دوستان واکسن در محل زیر برای بچه‌های ۱۲-۱۷ سال موجود هست. Richmond Green sport center، آنلاین می‌تونید بوک کنید و یا تلفنی».

«دوباره زدن واکسن‌ها موردی نداره».

«دیگه فرض کنید من اصلاً هیچ واکسنی نزدم، همه رو از اول بزنید و خیال خودتون رو راحت کنید 😊😊😊😊».

«مشکل این هست که بعضی از واکسن‌ها را ما با دوزهای متفاوت و نوبت‌های متفاوت در ایران دریافت می‌کنیم mmr یکی از آن‌ها هست. اگر بچه ۲ دوز را زده باشد، اینجا مجبور است از اول بزند، چون اینجا دو دوز می‌زنند. دوستی را داشتیم که دکترشان هم ایرانی بود؛ ولی مجبور شده بود همه را دوباره بزند».

اوقات فراغت

اوقات فراغت به زمانی گفته می‌شود که هر فردی اعم از کودک یا بزرگسال، کارها و وظایف روزمره خود را به انجام رسانده و وقت آزادی در اختیار داشته باشد تا به فعالیت‌های مورد علاقه‌اش بپردازد، برای مثال ورزش کند یا کتاب مورد علاقه‌ای را مطالعه کند یا حتی به مسافرت رود. گفتنی است اوقات فراغت بخش مهمی از زندگی هر انسانی است و نقش مهمی در رشد جسمی و شناختی هر فرد ایفا می‌کند. اوقات فراغت نه تنها سبب می‌شود افراد و خصوصاً کودکان ارتباطات بیشتری با دنیای پیرامون برقرار کنند؛ بلکه این فرصت را نیز در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا برخی از مهارت‌های زندگی از قبیل حل تعارضات، داشتن رفتار سلامت‌جویانه و دموکراتیک را یاد بگیرند. هرچند در شیوه‌گذران اوقات فراغت هم فاکتورها و عوامل مختلفی نظیر سطح تحصیل

والدین و وضعیت اقتصادی خانواده تأثیر دارد، مثلاً فرزندان خانواده‌های ثروتمند مدام به کسب امور جدید و تازه می‌پردازند؛ درحالی که فرزندان خانواده‌های با سطح درآمد اندک معمولاً اوقات فراغت را با انجام اموری ارزان‌تر مثل تماشای تلویزیون و گوش دادن به موسیقی سپری می‌کنند.

در رابطه با بحث مهاجرت نیز می‌توان این کارکرد را برای آن قائل شد که به امر سازگاری و انطباق اجتماعی کمک می‌کند، اما با این حال عدم آشنایی کافی با کلاس‌های فوق‌برنامه، عدم اعتماد به مسئولین مراکز، هزینه‌های آن‌ها و تمایل ذاتی والدین برای برقراری ارتباط با هموعشان از کشور مبدأ، مسائلی را برای برخی از خانواده‌های تازه‌وارد ایجاد می‌کند که شاید حل آن چند ماهی طول بکشد و حتی سبب شود با ایجاد فعالیت‌های درون گروهی، مسئله ادغام اجتماعی و فرهنگ‌پذیری با تأخر روبه‌رو شود. این مسئله در گفت‌وگوهای گروه تلگرامی این‌گونه نمایان شد:

«سلام به همگی. دوستانی که تجربه خوبی از مدرسه موسیقی دارن میشه لطفن اسم چند کلاس موسیقی خوب رو بفرستین. ترجیحاً در محدوده نورت یورک. به صورت مشخص دنبال آموزش گیتار برای یک پسر ده ساله هستم. کلاسی که جمعیت کمی داشته باشه و بچه‌ها واقعاً یاد بگیرند».

«سلام دوستان آیا برای یک پسر کلاس اول در منطقه نورت یورک کلاس فوتبال می‌شناسید ممنون میشم اگه بهم معرفی کنید».

«سلام دوستان. من هم پسر ۱۲ ساله است و عاشق بسکتبال و استن کری و لبرن جیمز. من آرورا زندگی می‌کنم، اگر کسی نزدیک محله ما هست خوشحال میشم آشنا بشیم».

«دوستان به نظر من آخر هفته با بچه‌ها مون پیک نیک بریم. نظرتون راجع به این گروه چیه؟ من فکر کردم به این طریق میشه بچه‌های همسن و سال را کنار هم جمع کرد تا بهشون خوش بگذره شما هم اگر موافقید دوستانتون که بچه‌های نوجوان دارن را اد کنید لطفن».

«بچه‌ها به نظرم نمیشه تنها باشن از ابتدا تا اینکه از هر نظر خانواده‌ها و بچه‌ها شناخت کافی داشته باشن خانوادگی هم اگر قراره باشه ترجیح میدم بیرون باشه الان که هوا خوبه تا بچه‌ها هم کمی تحرک داشته باشن. به نظرم بهتره پاتلاک را زمانی بزاریم که همه همدیگه را شناختیم این نظر منه».

بنابراین، هرچند فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت باعث ایجاد پلی بین کشور مبدأ و کشور مقصد می‌شود و درک فرهنگ جدید را بهبود می‌بخشد، اما بسیاری از خانواده‌ها

را با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه می‌کند، برای مثال (ون هوک، براون، و کوندا ۲۰۰۴) معقد هستند که برخی از والدین کودکان مهاجر بودجه کافی برای فعالیت‌های خارج از برنامه کودکان ندارند یا طبق نظر لارسون و ورما (۱۹۹۹) خانواده‌های مهاجر باتوجه به فرهنگی که با خود از کشور مبدأ آورده‌اند، انجام برخی از آن فعالیت‌ها را نامناسب و دور از شأن می‌پندارند.

آب‌وهوا و مشکل انطباق با آن

یکی از مهم‌ترین مسائلی که خانواده‌های ایرانی مهاجر، خصوصاً تازه‌واردان تورنتو در ارتباط با فرزندان‌شان مواجه هستند، مسئله آب‌وهوا است. به‌طور کلی، به‌دلیل پهناور بودن کانادا، آب‌وهوای آن را نمی‌توان برای مثال سرد و خشک و یا گرم و معتدل توصیف کرد؛ زیرا، در مناطق شمالی این کشور که نزدیک به قطب است، آب‌وهوای کانادا کاملاً سرد بوده و متوسط دمای سال در این مناطق بسیار پایین و (عمدتاً زیر صفر) است، اما آب‌وهوای کانادا در مناطق جنوبی و چسبیده به مرز آمریکا به اندازه‌ای با مناطق شمالی این کشور متفاوت است که می‌توان گفت میانگین دمای سالانه در ایالاتی مثل انتاریو و بریتیش کلمبیا تا مرز ۲۰ درجه بالای صفر نیز می‌رسد.

در این بین، آب‌وهوای شهر محبوب و ایرانی‌نشین تورنتو بسیار شبیه به شهرهای آمریکای شمالی نظیر نیویورک و شیکاگو است. گرم‌ترین ماه سال در تورنتو، ماه جولای است که میانگین دما به ۲۷ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. این در حالی است که سرمای زمستانی آن شدید بوده و در بعضی اوقات، به منفی ۶ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسد و همین موضوع یعنی داشتن زمستان‌های سرد و طولانی از یک سو و عدم آشنایی عینی و ملموس با وضعیت آب‌وهوایی و انطباق با آن از سوی دیگر بر نگرانی بسیاری از خانواده‌ها در رابطه با فرزندان‌شان و احتمال بیمار شدن آن‌ها افزوده است. این مسئله در برخی از گفت‌وگوهای ایرانیان مهاجر در گروه تلگرامی این‌گونه خود را آشکار ساخته است:

«دوستان تورنتو زده از امشب برف میاد، ما نیوکامر هستیم، نمی‌دونم باید بچه‌ها فردا با اسنوپنتز برن مدرسه یا برف سنگینتر باید چی بپوشن؟»
«توی مدارس روزهای برفی هم بچه‌ها رو میبرن حیاط (مگر شرایط بسیار سرد و استثنایی) بنابراین فردا صبح اگر زمین برف‌پوش بود و با لباس عادی و حتی چکمه احساس می‌کردین لباس‌هاشون خیس میشه اشکال نداره بپوشونین».

«بخشید چه مارکی برای خرید لباس‌های زمستانی خوبه؟ و چه زمانی قیمت‌ها مناسب‌تره برای خرید؟».

«به نظر من اگر واقعاً می‌خواهید اینجا بمونید و زندگی کنید بزارید بچه‌تون از همین حالا عادت کنه. لباس مناسب که دماهای ۳۵- داره بخرد و کفش و دستکش».

نتیجه‌گیری

براساس تعریف سازمان ملل متحد، مهاجرت عبارت است از جابه‌جایی مردم از یک نقطه در جهان به مکان دیگر با هدف گرفتن اقامت دائم یا نیمه‌دائمی. باتوجه‌به این نکته انواع مختلفی از مهاجرت وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مهاجرت داخلی و بین‌المللی اشاره کرد. باید اذعان کرد که مهاجرت بین‌المللی به دلیل تأثیراتی که هم بر کشور مبدأ و هم بر کشور مقصد دارد، بسیار اهمیت دارد. این در حالی است که روزبه‌روز هم بر اقدام‌کنندگان آن افزوده می‌شود. براساس آخرین آمار که توسط دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۹ منتشر شده، تعداد مهاجران بین‌المللی به ۲۷۲ میلیون نفر رسیده که ۵۱ میلیون نفر نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش داشته است. ایرانیان نیز هر ساله به دلایل مختلفی جذب کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شوند. به‌طوری که محققان و جمعیت‌شناسان معتقد هستند، اکثر مهاجران ایرانی را جوانان، مردان و نیروهای متخصصی تشکیل می‌دهد که برای دستیابی به شغل بهتر یا ادامه تحصیل به کشورهای دیگر رفته و گاه دیگر بر نمی‌گردند. بررسی سالنامه مهاجرتی ایران نشان می‌دهد که کشورهایی که دارای بیشترین جمعیت ایرانی (افراد متولد ایران) هستند، عبارتند از امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، انگلستان، ترکیه، سوئد، استرالیا، کویت، هلند، قطر، فرانسه، نروژ، اتریش، دانمارک، ایتالیا، عراق، سوئیس و بلژیک. از میان این کشورها کانادا بالاترین نرخ سرانه مهاجرپذیری در دنیا را دارد به‌طوری که بیش از ۳۴ گروه قومی با جمعیت بیش از صد هزار نفر در این کشور زندگی می‌کنند که شایان ذکر است، یکی از این گروه‌ها ایرانیانی هستند که مدام بر جمعیت آن‌ها هم افزوده می‌شود. با این حال، این مهاجرت‌ها همیشه محقق‌کننده رویاهای مهاجران نیست و در واقعیت آن‌ها را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو می‌کند که عمدتاً مرتبط با کودکان است.

کودکان و مهاجرت [...] |

در این مطالعه، بررسی گفت‌وگوهای گروه تلگرامی والدین ایرانی مهاجر در تورنتو نشان داد که این نگرانی‌ها در چند نوع ادغام و انطباق اجتماعی، فرهنگ‌پذیری، عملکرد مدرسه، زبان، قلدری، عزت‌نفس و بهزیستی عاطفی، دسترسی به خدمات پزشکی، اوقات فراغت و سازگاری با آب‌وهوا قابل دسته‌بندی است. توجه به این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها از این نظر سودمند است که مسئولان کشورهای مقصد می‌توانند قبل از اقدام افراد برای مهاجرت سیاست‌گذاری‌های لازم را اتخاذ و به فراهم کردن زیرساخت‌ها و امکانات لازم برای جمعیت مهاجر (بزرگسالان و خصوصاً گروه آسیب‌پذیر یعنی کودکان) بپردازند؛ زیرا مهاجرت علاوه‌بر ایجاد مشکلاتی برای کشور مبدأ، مسائل و مشکلاتی حتی به مراتب بیشتر برای کشور مقصد هم ایجاد می‌کند.

منابع و مأخذ

- حاجی حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت. فصلنامه راهبرد، (۴۱)، ۳۵-۴۶.
- Haj Hosseini, H. (2006). Satiety in migration theories. *A Quarterly Journal of Strategy*, 14(3): 35-46. [In Persian]. 20.1001.1.10283102.1385.14.3.1.2.
- Weeks, J.R. (2016). Population: an introduction to concepts and topics, Institute of comprehensive and specialized population studies and management. [In Persian]
- Akcapar, S. (2009). Re-Thinking Migrants Networks and Social Capital: A Case Study of Iranians in Turkey. *Journal Compilation*, 48(2), 161-196. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2435.2009.00557.x>.
- Barter, S. (2002). Europe gripped by migrant myths. [Internett] Available at <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/2052298.stm>.
- Bozorgmehr, M. (1998). From Iranian Studies to Studies of Iranians in the United States, *Iranian Studies*, 31(1), 4-30. DOI: 10.1080/00210869808701893
- Chang, S. (2018). Social Determinants of Health and Health Disparities among Immigrants and their children. *Current Problems in Pediatric and Adolescent Health Care*, 49(1), 23-30.
- Carter, B., McGoldrick, M., & Preto, N. (2005). The expanded family life cycle individual, family and social perspective. Allyn and Bacon, Boston, 1-26.
- Council of Europe. (2010). Migrants and their descendants. Guide to policies for the well-being of all pluralist societies. *Strasbourg: Council of Europe Publishing*.
- Dastjerdi, M. (2012). The case of Iranian immigration in the greater Toronto area: a qualitative study. *International Journal for Equity in: th 2012*.
- Ferguson, B. (2011). The Bhutanese Refugee ii Resettlement Journey, An environment that encourages you to work hard, erasing the present tag of refugee, Wellington. *The Bhutanese Refugee Resettlement Journey*, 1-77. DOI: 11849.3 AUG 11.
- Hanassab, Sh. (1998). Sexuality, Dating and Double Standards: Young Iranian Immigrants in Los Angeles. *Iranian Studies*, 31(1), 65-75.
- DOI: <https://doi.org/10.1080/00210869808701896>
- Glick, J. E., & Hohmann-Marriott, B. (2007). Academic performance of young children in immigrant families: the significance of race, ethnicity, and national origins. *The International Migration Review*, 41(2), 371-402.
- <https://doi.org/10.1111/j.1747-7379.2007.00072.x>
- Reynolds, G. (2008). The Impacts and Experiences of Migrant Children in UK Secondary Schools. *Sussex Centre for Migration Research*, 47(1): 1-34.
- http://repository.forcedmigration.org/./show_metadata.jsp?pid=fmo:5693

- Larson, R. W., & Verma, S. (1999). How children and adolescents spend time across the world: Work, play, and developmental opportunities. *Psychological Bulletin*, 125(6), 701-736. <http://dx.doi.org/10.1037/0033-2909.125.6.701>
- Lazzerini, R. (2005). *Where Did The Swedes Go? The Causes of Swedish Immigration and Settlement Patterns in America*. [Internet] Available at: <http://www.kindredtrails.com/Where-Did-The-Swedes-Go.html>
- Lee E.S. (1966). A Theory of Migration. *Demography*. Population Association of America. Duke University Press; Vol3, No1, PP.47-58.
- Qin, D.B., Way, N. and Rana, M. (2008), The 'model minority' and their discontent: examining peer discrimination and harassment of Chinese American immigrant youth. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 28(121):27-42. DOI:10.1002/cd.221
- Shishehgar, S. Gholizadeh, L. Digiacomia and Patricia M. Davidson. (2015). The impact of migration on the health status of Iranians: an integrative Literature review. *BMC International Health & Human Rights*, 53(2):1-11. doi: 10.1186/s12914-015-0058-7
- Suarez-Orozco, C., & Suarez-Orozco, M. M. (2001). Children of migration. Cambridge, MA: *Harvard University Press*. 4(4): 8-14.
DOI:10.1177/0031721715619911
- Sadeghi, S. (2015). The Burden of Geopolitical Stigma: Iranian Immigrants and Their Adult Children in the USA. *Springer*, 17(4):1109-1124. DOI: 10.1007/s12134-015-0451-z
- Sjaastad, L. (1962). The Costs and Returns of Human Migration. *Journal of Political Economy* 70(1), 80-93
- Skeldon, R. (2006). Interlinkages between Internal and International Migration and Development in the Asian Region. *Population, Space and Place*, 12(1): 15-30. <https://doi.org/10.1002/psp.385>
- Suarez-Orozco, M. (2001). Globalization, immigration and education. *Harvard Educational Review*, 71(3), 345-366. <https://doi.org/10.17763/haer.71.3.7521r125282t3637>
- Sluzki, C. E. (1979). Migration and family conflict. *PubMed*, 18(4), 379-390.
DOI:10.1111/j.1545-5300.1979.00379.x
- Maynard, R. Brandy, Vaughn, G. Michal & Vaughn, Sharon. (2016). Bullying Victimization Among School-Aged Immigrant Youth in the United States. *The Journal of Adolescent Health*, 58(3), 337-344.
doi: 10.1016/j.jadohealth.2015.11.013.

- McCarthy, K. (1998). Adaptation of Immigrant Children to the United States: A Review of Iranian Immigrants and the Question of Cultural Identity: The Case of Iowa. *International Migration Review*, 31(3): 612-627 ID: 142873354
- Mohammadi, M. & etal. (2006). Prevalence of Psychological Problems amongst Iranian Immigrant Children and Adolescents in UK. *the Iranian Journal of Psychiatry*1(1): 12-18.
- Mirsadeghi, R.(2013) . Migrant children experiences of school: A case study of Iranian children in Trondheim, Norway, *Thesis for Master of Philosophy in Childhood Studie Trondheim, spring Norwegian University of Science and Technology, Faculty of Social Sciences and Technology Management Norwegian Center for Child Research*:1-142.
- Van Hook, J., Brown, S.L., & Kwenda, M. (2004). A decomposition of trends in poverty among children of immigrants. *Demography*, 41(4), 649-670. <http://dx.doi.org/10.1353/dem.2004.0038>
- Vedder, P & Horenczyk, G & Liebkind, K. (2006). Ethno-culturally diverse education setting; Problems, challenges and solutions. *Educational Research Review*,1(2): 157-168. DOI:10.1016/j.edurev.2006.08.007
- Watters, C. (2008). Refugee children. Towards the next horizon. *New York, NY: Routledge*. DOI:10.4324/9780203935996
- <http://www.equityhealthj.com/content/11/1/9> DOI:10.1186/1475-9276-11-9.